پنج نوع قرائت

- روه‌شم و رت‌اوتم (۱و۲)
- ع‌وضوم و ذاش و داح‌آ ت‌ئارق (۳ و ۴ و ۵)
- جردم (۶)

۱و۲) متواتر و مشهور

حال آن چیزی که من می‌خواهم عرض کنم، این است که برای آن یک وسطی بگذارم. ببینید سیوطی در الاتقان مطلب خوبی گفته است. سیوطی می‌گوید ابن جزری در کتاب هایش مطلب خوبی گفته اما نکاتی دارد که خودش دسته‌بندی نکرده است. من دسته‌بندی کردم، خلاصه حرف ابن جزری این است که اگر بخواهیم به قرائات برچسب زنی بکنیم پنج نوع هستند. بعد هم می‌گوید خودم هم یک قسم به آن اضافه می‌کنم؛ المدرج. حال این برای خود سیوطی است. اما سیوطی حرف ابن جزری را خلاصه کرده و می‌گوید پنج نوع قرائت داریم. اول متواتر، دوم قرائت مشهور، سوم قرائت آحاد، چهارم قرائت شاذ و پنجم قرائت موضوع و کذب است. این دسته‌بندی خوبی است. تعریفش را هم قبلاً عرض کردم و الآن می‌خواهم از آن استفاده کنم. متواتر یعنی قطعی است؛ اگر سند هم نداشته باشد مشکلی ندارد. مشهور این است که سند صحیح است و موافق مصحف هست و با عربیت موافق است، و غیر از اینکه سند صحیح است بین قراء هم مشهور است. در بدنه اجتماع مسلمین ممکن است متواتر نباشد اما مشهور بین قراء است.

۳ و ۴ و ۵) قرائت آحاد و شاذ و موضوع

سوم آحاد است. آحاد یعنی قرائتی است که سندش صحیح است اما بین قراء مشهور نیست. چهارم شاذ است؛ در شاذ سند صحیح نیست. قرائتی است که آن را نقل میکنند اما سند صحیحی ندارد. به این شاذ میگوییم. پنجم موضوع است؛ اصلاً کذب است یعنی میدانیم که این قرائت دروغ است.

۶) مدرج

ششم مدرَج است؛ خودش می‌گوید برخی از جاها هست که تفسیر صحابی بوده و در قرائت داخل شده است. یعنی قرائت نیست بلکه مدرج در قرائت است. با این توضیحی که او داده، این تقسیم‌بندی‌ای که من عرض می‌کنم را با هم تلفیق کنید. خیلی عالی می‌شود.

شاگرد: مدرج را دوباره توضیح می‌دهید.

استاد: مدرج یعنی مثلاً یک صحابی آمده به‌عنوان معنای یک لغت چیزی را در مصحفش آورده است. بعد که آن را خواندند گفته‌اند که قرائت فلانی این است. درج در یک چیزی یعنی امری که در شیئی نیست بیاید بین آن درج شود و قرار بگیرد. سیوطی چند شاهد برای آن می‌آورد و می‌گوید خود من به این‌ها رسیده‌ام و این جزری نگفته است.